

پیروزی مردم بولیوی و «جنبش به سوی سوسیالیسم»

محمد سعادت مند



یک سال پیش نیروهای راستگرا با پشتیبانی ایالات متحده آمریکا و با یک کودتای نظامی دست به تخریب بنای نوپای دموکراسی مردم بولیوی زدند. اما مردم آن کشور با رأی قاطع خود در انتخابات اکتبر ۲۰۲۰ و انتخاب کاندیدای «جنبش به سوی سوسیالیسم» از تخریب بنای نوپای خود جلوگیری به عمل آورده و مرمت آن را آغاز کرده‌اند.

در نوامبر سال ۲۰۱۹، چند هفته پس از انتخابات ریاست جمهوری بولیوی در ماه اکتبر، اوو مورالس که برای چهارمین بار به ریاست جمهوری انتخاب شده بود، با تهدید نیروهای پلیس و ارتش روبه‌رو گردید. او برای جلوگیری از خونریزی کشور را ترک کرد و به مکزیک پناهنده شد. در نتیجه رژیم کودتایی به رهبری جنین آنزا، «رئیس جمهور موقت» خود خوانده، بر سر کار آمد و با کمک ارتش دست به کشتار بومیان هوادار مورالس زد. مایک پمپئو، وزیر خارجه آمریکا، با استناد به ادعای بی‌پایه «سازمان کشورهای آمریکایی» (OAS) مبنی بر تقلب در انتخابات، حمایت خود از کودتا را علنی کرد و به زعم خود خواستار استفاده از «شیوه‌های دموکراتیک در انتخابات بولیوی برای انتخاب نمایندگان واقعی مردم» شد. پس از آن که رژیم کودتایی آنز دو بار انتخابات برنامهریزی شده در سال جاری را به تعویق

انداخت، بالاخره مردم بولیوی در روز ۱۸ اکتبر (۲۷ مهرماه) به پای صندوق‌های رأی رفتند و لوئیس آرسه، کاندیدای «جنبش به سوی سوسیالیسم» (MAS) را با رأی قاطع به پیروزی رساندند. لوئیس آرسه^۲، که در دولت مورالس وزیر اقتصاد بود، با کسب بیش از ۵۵ درصد آرا توانست رئیس‌جمهور میانه‌رو سابق و کاندیدای کودتاچیان را متحمل شکست سنگینی کند و آنز مجبور شد تا قبل از اعلام رسمی نتایج آرا، پیروزی «جنبش به سوی سوسیالیسم» را بپذیرد و انتخاب لوئیس آرسه به ریاست جمهوری و معاون او «چوکوهوانکا»^۳ را تبریک بگوید. شاید به‌سختی بشود پذیرفت که، جدیدترین کودتای نظامی مورد حمایت ایالات متحده در آمریکای لاتین، اینگونه مفتضحانه با شکست روبه‌رو شود.

در انتخابات ۲۰۱۹، با وجود ادعای بی‌اساس تقلب در انتخابات از سوی «سازمان کشورهای آمریکایی» هیچ‌کس تردیدی نداشت که آرای اوو مورالس از تمام کاندیداهای دیگر بیشتر بود. در واقع تنها چیزی که از سوی «سازمان کشورهای آمریکایی» مطرح شد، تردید در این مساله بود که آیا درصد آرای مورالس برای انتخاب او در دور اول کافی بوده یا نه، والا نتوانستند هیچ ادعای دیگری در مورد انتخاب مورالس مطرح کنند.

نکته پر اهمیتی که باید به آن توجه کرد این است که مقایسه ترکیب آرای کسب شده توسط کاندیداها در انتخابات ۲۰۱۹ و ۲۰۲۰ نشان می‌دهد که برخلاف ادعای «سازمان کشورهای آمریکایی» تقلبی در انتخابات ۲۰۱۹ نمی‌توانسته رخ داده باشد. در انتخابات ۲۰۱۹، مورالس ۴۷/۰۸ درصد؛ «کارلوس مسا»^۴ رییس‌جمهور میانه‌رو سابق بولیوی ۳۶/۵۱ درصد؛ و «چی هیون چونگ»^۵، کاندیدای حزب دموکرات مسیحی ۸/۷۸ درصد آرا را کسب کردند. در انتخابات ۲۰۲۰، لوئیس آرسه ۵۵/۸ درصد؛ کارلوس مسا ۲۸/۸۳ درصد و «لوئیس فرناندو کاماچو»^۶، کاندیدای جناح راست، ۱۴ درصد آرا را به دست آوردند. بی‌جهت نیست که رسانه‌های جریان غالب نسبت به تحلیل ترکیب آرای کاندیداها در دو انتخابات ۲۰۱۹ و ۲۰۲۰ که نشانه روشنی از سالم بودن انتخابات ۲۰۱۹ است سکوت معنی‌داری اختیار کرده‌اند.

مورالس، چند هفته پس از پناهنده شدن به مکزیک، در مصاحبه‌ای با «گلن گرین‌والد»^۷ روزنامه‌نگار معروف آمریکایی گفت، پس از پیروزی در انتخابات، پلیس و سپس ارتش تهدید کردند چنانچه کشور را هر چه زودتر ترک نکنم، جان خودم، اعضا خانواده‌ام و نزدیک‌ترین همکارانم در خطر خواهد بود. در همین مصاحبه مورالس آمریکا را به دادن چراغ سبز به رهبران راست‌گرای کودتا متهم کرد و علت کودتا را خشم آمریکا از توافقنامه

فروش ماده ارزشمند لیتیوم به چین دانست.

با اینکه انتخاب مورالس به عنوان اولین رئیس‌جمهور بومی کشور، دستاوردهای بزرگی برای مردم بولیوی در پی داشته، اما برخی از عملکردهای او مورد انتقاد حامیان شناخته شده داخلی و خارجی واقع شده است. برخی از نزدیکترین حامیان مورالس او را به اعمال روش‌های اتوکراتیک (یکه‌سالاری) متهم می‌کردند. «لولا دا سیلوا»^۱ رئیس‌جمهور پیشین برزیل و متحد و دوست قدیمی او، در مصاحبه‌ای که قبل از انتخابات ۲۰۱۹ با گلن‌گرین‌والد داشت، به درستی پیش‌بینی کرد که «مطمئن باشید که اگر مورالس در انتخابات امسال ریاست‌جمهوری کاندیدا شود، قطعاً پیروز خواهد شد، با این حال کاندیدا شدن او برای چهارمین بار یک اشتباه است.»

شایان ذکر است که قانون اساسی بولیوی انتخاب یک فرد به سمت ریاست‌جمهوری برای بیش از دو دوره را منع کرده است، مگر اینکه مجوز قانونی لازم گرفته شود. این همان

گفته می‌شود «لویس آرسه» رئیس‌جمهور منتخب جدید نیز از کاندید شدن مورالس برای بار چهارم در انتخابات ۲۰۱۹ انتقاد کرده بود و مورالس این انتقاد را پذیرفت.

راهکاری است که مورالس به آن متوسل شده بود. گفته می‌شود «لویس آرسه» رئیس‌جمهور منتخب جدید نیز از نامزدی مورالس برای بار چهارم در انتخابات ۲۰۱۹ انتقاد کرد، که مورالس این انتقاد را پذیرفت.

با این حال، انتقاداتی از این دست مانع از آن نشد که مردم بولیوی مورالس را برای چهارمین بار به ریاست‌جمهوری انتخاب کنند. لولا دا سیلوا در مصاحبه‌ای که پس از کودتای بولیوی با «گاردین» داشت این نکته را مورد تأکید قرار داد که «آنچه با مورالس کردند یک جنایت بود، آنها کودتا کردند و کودتا در آمریکای لاتین وحشتناک و فاجعه‌بار است.»

اینکه یک رهبر سیاسی بیش از یک دهه در قدرت باشد و دچار اشتباه نشود و موجب سرخوردگی برخی از حامیانش نگردد، شاید تصور سختی باشد. اما با وجود انتقاداتی که به مورالس می‌شود، تردیدی نیست که سه دوره ریاست‌جمهوری او با هر معیاری سنجیده شود، پیروزی و موفقیت بزرگی برای مردم بولیوی به شمار می‌رود که دستاوردهای ارزشمندی با خود داشت. پس از ده‌ها سال بی‌ثباتی در بولیوی و گسترش فقر در این کشور، مورالس و «جنبش به سوی سوسیالیسم» توانستند به چنان رشد اقتصادی دست یابند که حتی مؤسسات مالی غربی انگشت به دهان ماندند. آنچه برای مردم بیش از همه اهمیت

داشت، توزیع هرچه عادلانه‌تر ثروت و درآمد کشور بود که به خصوص اقلیت بومی و دهقانان بولیوی از آن بهره‌مند شدند.

آنچه در نوامبر ۲۰۱۹ رخ داد، در واقع ضربه‌ای هدفمند به این موفقیت‌ها بود تا این دستاوردهای بزرگ مردم بولیوی را خنثی کند. غرب با کارزار تبلیغاتی که از سوی مقامات غربی و با هدایت اتاق‌های فکر امپریالیستی به راه انداخت و با به کار بستن روش‌های ماکیاویستی و جرج اورولی رویدادهای بولیوی را وارونه جلوه داد و از کودتای نظامی علیه دولت قانونی و مردمی آن کشور حمایت کرد. در این کارزار تبلیغاتی، به روش مرسوم غرب، کودتاگران را حامی دموکراسی، و حکومت قانونی و منتخب مردم بولیوی را دشمن دموکراسی می‌خواندند. غرب همیشه در اینگونه کارزارهای تبلیغاتی از رهبران مردمی و منتخب مردم به عنوان دیکتاتور یاد می‌کند. اما مردم بولیوی فریب این کارزار تبلیغاتی را نخوردند و خوشبختانه این تاکتیک در بولیوی نتیجه مورد انتظار غرب را به بار نیاورد. در یک‌سال گذشته مردم بولیوی با وجود شیوع بیماری کرونا، از تظاهرات و راهپیمایی‌های اعتراضی دست برداشتند و با به خطر انداختن جان خود، خواسته‌های برحق‌شان مبنی بر استقرار مجدد دموکراسی و اعمال حاکمیت ملی را به کرسی نشاندند.

مردم بولیوی با وجود شیوع بیماری کرونا، از تظاهرات و راهپیمایی‌های اعتراضی دست برداشتند و با به خطر انداختن جان خود، خواسته‌های برحق‌شان مبنی بر استقرار مجدد دموکراسی و اعمال حاکمیت ملی را به کرسی نشاندند.

استقرار مجدد دموکراسی و اعمال حاکمیت ملی را به کرسی بنشانند. رژیم کودتا و جناح راست نهایت تلاش خود را کرد تا از پیروزی کاندیدای «جنبش به سوی سوسیالیسم» جلوگیری نماید و مانع از بازگشت آنها به قدرت گردد، اما پیروزی قاطع و رای بالای لویس آرسه جایی برای عرض اندام نیروهای واپسگرا در بولیوی باقی نگذاشت. وظیفه تمام دموکراسی خواهان و عدالت جویان جهان است که فداکاری‌های مردم بولیوی برای بازگرداندن دموکراسی و اعمال حاکمیت ملی و اتخاذ سیاست‌های آزادی خواهانه و عدالت محور را ارج نهند و در مقابل انتخاب مردم بولیوی کلاه از سر بردارند. در پی رأی قاطع مردم بولیوی به برگشت ثبات اقتصادی، اجتماعی و سیاسی به کشورشان، میگوئل دیاز کانل برمودز، رئیس‌جمهوری کوبا در پایان روز انتخابات در توییتی پیروزی «جنبش به سوی سوسیالیسم» و شکست الیگارشی بولیوی را که تحت حمایت «سازمان کشورهای

آمریکایی» و امپریالیست‌ها قدرت را غصب کرده بود، تریک گفت. لوئیس آرسه در اولین اظهار نظر پس از پیروزی در انتخابات گفت که یک دولت وحدت ملی تشکیل خواهد داد و با درس گرفتن از اشتباهات گذشته در جهت ایجاد همدلی بین مردم بولیوی گام بر خواهد داشت. به نوشته گرانما «دیوید چوکوهوانا، معاون لوئیس آرسه که از تخصص و تجربه کافی و نفوذ لازم در میان مردم برخوردار است، سایه شوم نئولیبرالیسم را که پس از کودتای نظامی به کشور تحمیل شده بود را از سر مردم بولیوی خواهد زدود». گرانما ادامه می‌دهد، «پیروزی «جنبش به سوی سوسیالیسم» در بولیوی قطعاً با واکنش دشمنان داخلی و خارجی روبه‌رو خواهد شد و چالش‌های فراوانی پیش روی دولت قرار خواهد داد. برای فائق آمدن بر این چالش‌ها، دولت جدید باید در پی وحدت نیروهای سیاسی بوده و اعتماد به نفس مردم بولیوی را ارتقا بخشد. برنامه‌ریزی توسعه اقتصادی- اجتماعی، اصلاح روش‌های مبارزه با بیماری کووید-۱۹، اعمال حاکمیت ملی و ترمیم مناسبات بین‌المللی، که توسط کودتاگران تخریب شده بود، از دیگر اقداماتی است که دولت جدید باید به آنها اهتمام ورزد.»

«جنبش به سوی سوسیالیسم» و پیشینه آن

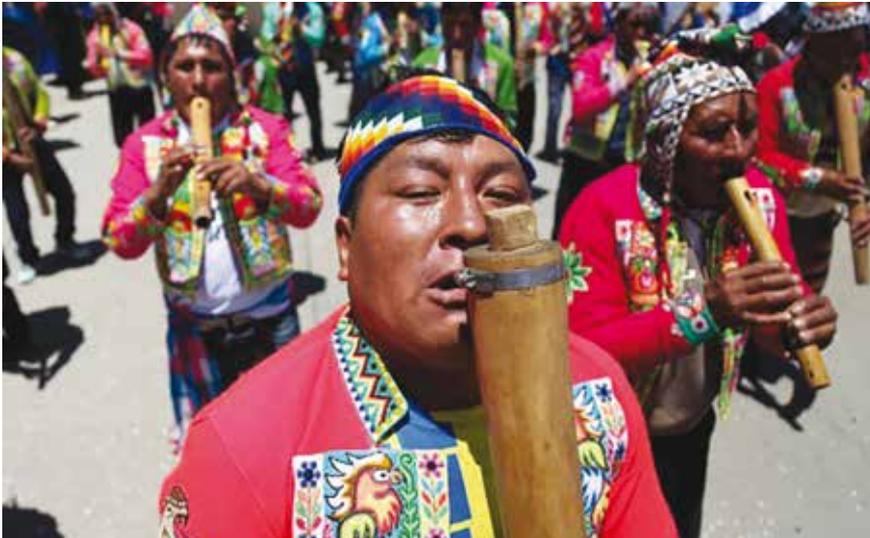
یکی از دلایل اصلی پیروزی مردم بولیوی، اتحاد نیروهای سیاسی و سازمان‌های صنفی و متشکل بودن آنها است. اگرچه تاریخچه اتحاد نیروها در بولیوی مانند بسیاری از کشورها شاهد افت و خیزهای فراوان و اتحاد و گسست‌های گوناگونی بوده، اما در تحلیل نهایی، وجود همین اتحادهای رسمی بین سازمان‌های سیاسی و صنفی، و اتحادهای نانوشته را می‌توان منشا اتفاق نظر بر روی اهداف حداقل و هم‌سویی بر روی مسائل کلیدی و تضمین‌کننده پیروزی مردم بولیوی دانست.

مروری بر تاریخچه «جنبش به سوی سوسیالیسم» و نگاهی به سیر تحولات آن، نشان‌دهنده تجربه ارزشمندی است که می‌تواند برای نیروهای سیاسی کشورهای مختلف آموزنده باشد. پیشینه‌ی «جنبش به سوی سوسیالیسم» برمی‌گردد به دهه ۱۹۸۰ و تعطیلی معادن بولیوی که موجب گردید هزاران کارگر بیکار شده‌ی معادن برای امرار معاش خود به کشت کاکائو در روستاها روی آورند. بسیاری از این کشاورزان خیلی زود به دو اتحادیه بزرگ صنفی بولیوی یعنی «کنفدراسیون اتحادیه کارگران روستایی بولیوی» (CSUTCB)

و «کنفدراسیون اتحادیه کارگران خوش‌نشین بولیوی» (CSCB) پیوستند. این دو اتحادیه با «کنفدراسیون بومیان بولیوی» (CIDOB) متحد شده و اعتراضات مطالباتی مشترکی را در سال ۱۹۹۲ سازمان دادند.

در سال ۱۹۹۴، با بهم پیوستن «کنفدراسیون اتحادیه کارگران روستایی بولیوی»، «کنفدراسیون اتحادیه کارگران تحت استعمار بولیوی»، «کنفدراسیون اتحادیه زنان کشاورز بولیوی»، موسوم به کنفدراسیون بارتولینا سیسنا^۱ و «کنفدراسیون بومیان بولیوی»، اتحاد جدید بزرگ‌تری شکل گرفت به نام «مجمع حاکمیت مردم» (ASP)، که «آلجوولیزا» در مقام رهبر اصلی و اوو مورالس در جایگاه دوم آن قرار داشتند. از سال ۱۹۹۶ به بعد بود که جایگاه مورالس در رهبری «مجمع حاکمیت مردم» ارتقا پیدا کرد. «مجمع حاکمیت مردم» که برای شرکت در انتخابات سال ۱۹۹۷ با منع قانونی روبرو بود، در چارچوب لیست «چپ متحد» در انتخابات شرکت کرد و چهار نفر از اعضای آن از جمله اوو مورالس به مجلس نمایندگان راه یافتند. شایان ذکر است که «چپ متحد» ائتلافی بود که در سال ۱۹۸۹ از هشت سازمان چپ از جمله حزب کمونیست بولیوی (PCB) شکل گرفته بود و در واقع ادامه‌دهنده راه «جبهه متحد خلق» سابق بود.

بعد از انتخابات ۱۹۹۷ «مجمع حاکمیت مردم» به علت بروز اختلافات نظری



بومیان بولیوی بخش مهمی از حامیان دولت چپ گرا هستند؛ جشن پیروزی در آل آلتو، دومین شهر بزرگ بولیوی، سوم آبان ۱۳۹۹

دچار انشعاب شد و مورالس به همراه یکی از رهبران برجسته اتحادیه‌ی CSUTCB و با حمایت اکثریت اعضا، «جنبش به سوی سوسیالیسم» را پایه‌ریزی کردند. «جنبش به سوی سوسیالیسم» به منظور شرکت در انتخابات شهرداری‌ها در سال ۱۹۹۹ در واقع نام یک گروه سیاسی فالانژ سابق^{۱۲} که عملاً از هم پاشیده شده بود را به عاریت گرفت و برای رعایت قوانین انتخابات، نام «جنبش به سوی سوسیالیسم» - شاخه سیاسی مجمع حاکمیت مردم را برای خود برگزید که در زبان اسپانیولی با اختصار MAS-IPSP شناخته می‌شود. برگزیدن نام یک گروه فالانژ، خود موجب تشدید اختلاف نظر گردید و رهبر اتحادیه‌ی CSUTCB از «مجمع حاکمیت مردم» کناره گرفت و به همراه رهبر سابق مجمع یعنی آلبو ولیز در لیست انتخاباتی حزب کمونیست بولیوی قرار گرفتند و وارد مبارزه انتخاباتی شدند.

حزب کمونیست بولیوی که در سال ۱۹۵۰ توسط اعضا سابق «حزب چپ انقلابی» بنیان گذاشته شده بود و در دهه ۱۹۶۰ در رهبری اتحادیه‌ی «کانون کارگران بولیوی» و در رهبری «فدراسیون اتحادیه‌های کارگران معدن» نقش داشت، در دهه‌های بعد همواره در ائتلاف‌های گوناگون حضور داشته و با سازمان‌های سیاسی دیگر متحد بوده است.

در انتخابات شهرداری‌ها، در سال ۱۹۹۹، «جنبش به سوی سوسیالیسم» ۳/۳ درصد کل آرا کشوری را کسب کرد و در حالی ۸۱ کرسی شورای شهرهای مختلف را از آن خود کرد که اکثریت منتخبین از بومیان بودند.

سه سازمان بنیانگذار اولیه «جنبش به سوی سوسیالیسم» از این قرارند: ۱. کنفدراسیون اتحادیه کارگران روستایی بولیوی (CSUTCB)؛ ۲. کنفدراسیون اتحادیه کارگران تحت استعمار بولیوی (CSCB)؛ ۳. کنفدراسیون اتحادیه زنان کشاورز بولیوی (Bartolina Sisa)؛ این سه سازمان، هم‌زمان، به همراه «کنفدراسیون بومیان بولیوی» (CIDOB) و «شورای ملی کارکنان ادارات دولتی» (CONAMAQ) عضو یک اتحاد دیگر هم بودند.

در سال ۲۰۰۶ چهار سازمان دیگر به «جنبش به سوی سوسیالیسم» پیوستند که عبارت بودند از: ۱. فدراسیون ملی معلمان روستایی؛ ۲. کنفدراسیون اتحادیه‌های کارگران بولیوی؛ ۳. کنفدراسیون اجاره‌نشینان و بازنشستگان؛ ۴. اتحادیه ملی کسب و کارهای کوچک و خرد. دو سازمان دیگر نیز در سال ۲۰۰۹ به این اتحاد اضافه شدند: ۱. فدراسیون ملی تعاونی‌های معدنی بولیوی، که گفته می‌شود ۴۰ هزار عضو دارد؛ ۲. کانون کارگران منطقه‌ای «ال آلتو»، که دومین شهر بزرگ بولیوی است.

دو سازمان صنفی بزرگ دیگری یعنی «کانون کارگران بولیوی» که تعداد اعضا آن را تا دو میلیون نفر هم برآورد می‌کنند، به اضافه «شورای ملی کارکنان ادارات دولتی»، اگرچه عضو «جنبش به سوی سوسیالیسم» نیستند، اما همواره حامی دولت‌های اوو مورالس بوده‌اند. مطالبات بومیان بولیوی در سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۲ عمق و گسترش بیشتری یافت که به نوبه خود انسجام تشکیلاتی و سازمانی متناسب با فضای سیاسی جدید را ایجاد می‌کرد و در نتیجه نیروهای سیاسی و اجتماعی اقبال بیشتری به اتحادها نشان دادند، چیزی که قبلاً به این گستردگی در بولیوی دیده نشده بود. اخراج اوو مورالس از مجلس نمایندگان بولیوی در سال ۲۰۰۲ به بهانه سازماندهی درگیری بین کشاورزان و پلیس، نفوذ مورالس و «جنبش به سوی سوسیالیسم» را افزایش داد.

در انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۰۲، «جنبش به سوی سوسیالیسم» سیاست‌هایی در پیش گرفت تا پایگاه طبقاتی خود را از کشاورزان و کارگران به طرف اقشار میانی جامعه شهری نیز بگستراند. به همین دلیل آنتونیو پدرو^۳، شخصیتی که دارای نفوذ قابل توجهی در بین اقشار متوسط شهری بود، را به عنوان کاندیدای معاونت ریاست جمهوری معرفی کردند. در این انتخابات «جنبش به سوی سوسیالیسم» از سازمان‌های چپ نیز درخواست کرد که از کاندیداتوری اوو مورالس و معاونش حمایت کنند.

مواضع پیگیر «جنبش به سوی سوسیالیسم»، در رابطه با اعمال حاکمیت ملی و جلوگیری از دخالت‌های آمریکا در امور داخلی بولیوی و همچنین مخالفت با سیاست‌های نئولیبرالی مورد حمایت آمریکا، موجب شد که سفیر آمریکا در بولیوی تهدید کند که «در صورت پیروزی مورالس در انتخابات، کمک‌های آمریکا به بولیوی قطع خواهد شد». مورالس معتقد بود که هر جمله‌ای که از دهان سفیر آمریکا علیه ما بیرون بیاید، گرایش مردم به ما را افزایش خواهد داد. اوضاع زمانی بدتر شد که سفیر بعدی آمریکا، در اظهارنظری مداخله‌جویانه، آشکارا اعلام کرد که آمریکا هیچ رئیس‌جمهور دیگری جز گونزالو سانچز^۴ را نخواهد پذیرفت. نهایتاً در این انتخابات گونزالو سانچز انتخاب شد و مورالس در جایگاه دوم قرار گرفت، اما «جنبش به سوی سوسیالیسم» ۲۷ کرسی از ۱۳۰ کرسی مجلس نمایندگان و ۸ کرسی از ۲۷ کرسی مجلس سنا را به دست آورد. از میان نمایندگان منتخب «جنبش به سوی سوسیالیسم» در مجالس قانونگذاری، ۱۰ نفر بومی یا کشاورز بودند و ۱۲ نفر نیز از روشنفکران چپ و یا رهبران کارگری بودند.

در انتخابات ۲۰۰۵ اوو مورالس با کسب ۵۳/۷ درصد آرا در دور اول به ریاست جمهوری بولیوی انتخاب شد و «جنبش به سوی سوسیالیسم» ۵۵ درصد کرسی های مجلس نمایندگان و ۴۴ درصد کرسی های مجلس سنا را از آن خود کرد. پیروزی «جنبش به سوی سوسیالیسم» در انتخابات بعدی نیز تکرار شد و در آخرین انتخابات، که ۱۸ اکتبر ۲۰۲۰ برگزار گردید، لوئیس آرسه کاندیدای آن به سمت ریاست جمهوری انتخابات گردید و اکثریت دو مجلس قانونگذاری را نیز از آن خود کرد.

ائتلاف بزرگ دیگری که در بولیوی باید از آن یاد کرد، «همکاری ملی برای تغییرات» است که در سال ۲۰۰۷ و در جریان تشکیل مجلس مؤسسان شکل گرفت. سازمان های گوناگون اجتماعی و صنفی و همچنین بسیاری از مدیران اجرایی و نمایندگان مجلس وابسته به «جنبش به سوی سوسیالیسم» در این اتحاد بزرگ عضویت دارند.

اگرچه اتحاد سازمان های سیاسی و صنفی در بولیوی از یکپارچگی کامل و سراسری برخوردار نیستند، اما در تحولات بولیوی به ویژه در دو دهه اخیر نقش پُراهمیتی ایفا کرده اند و پیروزی مردم بولیوی در انتخابات اخیر از دستاوردهای قابل توجه آن به شمار می رود.

آخرین خبرها حاکیست که روز دوشنبه ۱۱ نوامبر ۲۰۲۰، یک روز پس از برگزاری مراسم سوگند لوئیس آرسه رئیس جمهور منتخب، اوو مورالس با استقبال با شکوه مردم بولیوی و به ویژه بومیان آن کشور به میهن بازگشت. این بازگشت نیز از جمله دستاوردهای اتحاد نیروهای صنفی و سیاسی طرفدار عدالت و آزادی است.

1. Jeanine Anez
2. Luis Arce
3. Choquehuanca
4. Carlos Mesa
5. Chi Hyun Chung
6. Luis Fernando Camacho
7. Glenn Greenwald
8. Lula Da Silva
9. Miguel Díaz-Canel Bermúdez
10. Bartolina Sisa
11. Alejo Veliz
12. Movimiento al Socialismo-Unzaguista
13. Antonio Pedro
14. Gonzalo Sanchez

منابع:

<https://mltoday.com/bolivians-return-evo-morales-party-to-power-one-year-after-a-u-s-applauded-coup/>

<http://en.granma.cu/mundo/2020-10-20/in-bolivia-mas-is-more>

<https://www.dw.com/fa-ir>

<https://en.wikipedia.org>

<https://www.npr.org/2020/11/09/933139632/evo-morales-makes-triumphant-return-to-bolivia>

شیوع ویروس خشونت: کلمبائی‌ها به خیابان می‌ریزند

ژسیکا دُسسائتس^۱ - ریکاردو واس^۲

«انوستیگا کسین»^۳، ۲۷ سپتامبر ۲۰۲۰



اعتراض‌ها به خشونت و قتل در کلمبیا. روی پلاکارد: نه قتل‌های گروهی، بلکه قتل عام!

هشتم سپتامبر مأموران پلیس بوگوتا «خاوییر اُردُنز^۴»، راننده تاکسی و وکیل دادگستری را، که بی‌دفاع روی زمین افتاده بود کتک زدند و با تپانچه برقی شکنجه دادند. شاهدان عینی از این جریان فیلم برداشتند و اُردُنز کمی بعد در بیمارستان درگذشت. این جریان موجب واکنش توده‌ای گسترده‌ای شد. در بوگوتا و شهرهای دیگر روزهای پرتب‌وتابی همراه با تظاهرات، شورش و رویارویی بین غیرنظامیان و نیروهای امنیتی سپری شد. تظاهرکنندگان چند کلانتری، از جمله کلانتری قاتلان اُردُنز را به آتش کشیدند. پاسخ نیروهای امنیتی سبانه بود و ۱۳ کشته و بیش از ۴۰۰ زخمی برجای گذاشت. تاکنون دو نفر در بازداشت هستند: دو مأمور پلیس به نام‌های «آربی دَمیان رُدریگز دیاز^۵» و «خوآن کَمیلو یُردا کوبییس^۶». اُردُنز را پس از بازداشت وحشیانه، به «فرماندهی اقدامات فوری^۷» منتقل کرده بودند و این دو مأمور آنجا نگهبانش بودند.

مقامات کلمبیائی تمام سعی خود را کردند تا بقبولانند که قتل اُردُنز تنها یک مسئله اتفاقی بوده است. «کارلُس اَلْمِس تروخییو» وزیر دفاع، اظهار داشت که در احساس همگانی «درد، برآشفتگی و رد و نفي» این اتفاق شریک است و گفت که «آشکار است» که این رویدادها به «اعتبار نهادها لطمه می زند.»

با این حال برآشفتگی یک باره و گسترده مردم تنها به خاطر این مورد خاص نیست، بلکه به دلیل یک رشته خشونت‌های پلیسی است که تاکنون منجر به مرگ چند نفر شده است، آن هم عمدتاً به دست پلیس در پایتخت. به گفته شهرداری بوگوتا، تنها در سال ۲۰۲۰، ۱۳۷ شکایت برای سوءاستفاده احتمالی از قدرت دریافت شده است.

گذشته از این واقعیت‌ها، در مورد بیش از ۶۰ کشتار هم که در سال ۲۰۲۰ ثبت شده‌اند، انگشت اتهام شدیداً متوجه نیروهای امنیتی است. به همین ترتیب، پس از آن که استقرار نیروهای آمریکائی در خاک کلمبیا از ماه ژوئیه به بعد منجر به مشاجراتی شد، اوائل ماه سپتامبر یک سناتور خواستار استعفای تروخییو شد.

در بحبوحه پاندمی هم، کشتار رهبران اجتماعی همچنان بدون وقفه ادامه داشته است. اگر خود این پاندمی، واکنش ضعیف دولت در برابر آن و نابرابری‌های اجتماعی برآمده را هم به این همه اضافه کنیم، نتیجه آن موجی از برآشفتگی است که دولت «ایوان دوکه» را در چنان موقعیتی قرار داده تا حرف و حدیث‌ها راجع به این دولت هر روز بیشتر بالا بگیرد. در ماه‌های پایانی سال ۲۰۱۹ هم اتحادیه‌ها و جنبش‌های اجتماعی برخی از گسترده‌ترین تظاهرات این سال‌ها را برگزار کرده بودند. حالا اگر اوضاع اقتصادی و اجتماعی را - که در ماه‌های اخیر هنوز بی‌ثبات تر و شکننده‌تر شده است - به انواع تجاوز به حقوق بشر اضافه کنید - که حکومت یا آزاد می‌گذارد یا خودش مرتکب می‌شود -، احتمال می‌رود که دولت باز با اعتراض تازه دیگری روبرو شود.

عامل دیگری که موقعیت «دوکه» را باز هم بی‌ثبات تر می‌کند وضعیت قضائی «آلوارو اوریبه» رئیس جمهور پیشین است. با صدور قرار بازداشت و حبس خانگی برای این راهنما و مربی «دوکه»، احتمال می‌رود که پیوندهای دست راستی‌های کلمبیا با شبه نظامی‌گری آشکارتر شود.

اگرچه رابطه «اوریبه» و گروه‌های شبه نظامی، از جمله «نیروهای متحد دفاع از خود کلمبیا»، معروف خاص و عام است و خود دستگاه‌های اطلاعاتی آمریکا هم از آن باخبرند،

اما پرونده فریب شاهدان (شبه نظامی) که فعلاً مفتوح است می‌تواند اولین سند و مدرک مستقیم برای دادگستری کلمبیا باشد.

نکته دیگری که نمی‌توان از آن چشم پوشید توافق‌های صلح با چریک‌های «فارک» سابق، یا بهتر بگوئیم رعایت نکردن این توافق‌ها از جانب دولت کلمبیا است. زمانی اوریبه و دوکه یک کارزار نفرت از این توافق‌ها به راه انداختند و خودشان را گزینه «قانون و نظم» معرفی کردند که بنا بود حفاظت از جامعه را در کلمبیا به عهده گیرند.

با این حال، بعد از گذشت چهار سال همین جامعه درگیر خشونت‌های مهارنشده شده است؛ خشونت‌هایی که فقط نتیجه دفاع از منافع طبقات حاکم کلمبیا است، چه برای تصاحب زمین، چه منابع طبیعی. ضمن این که پس از آن که فارک جنگ چریکی را کنار گذاشت و نیز رکورد برداشت کشت کوکا چند سال متوالی شکسته شد، آن خواب و خیالی هم که ادعا داشت دو مسئله جنگ چریکی و کشت کوکا یک مسئله واحد است نقش بر آب شد.

نهایتاً، آخرین دستاویز دوکه جنبانیدن لولوخورخوره ونزوئلا و دامن زدن به تنش در مرزها- آن هم کماکان با حمایت واشنگتن- است. اما در برابر ستم‌هایی که روزبه‌روز بیشتر می‌شوند، دیگر تهدیدات خارجی توجه مردم کلمبیا را منحرف نمی‌کند، همچنان که پیش از پیش شک و سؤال در مورد حضور نیروهای نظامی آمریکای شمالی و مانورهای مداوم نظامی مطرح می‌شود.

بی‌ثباتی بوگوتا زنگ خطر را در واشنگتن به صدا درمی‌آورد، زیرا کلمبیا نوک پیکان ایالات متحده در آمریکای جنوبی به شمار می‌رود. هرچه مبارزه مردم کلمبیا گسترش بیشتری پیدا کند، تسلط امپریالیسم آمریکا در نیمکره غربی بیشتر در معرض تهدید قرار می‌گیرد.

- | | | |
|---------------------------------|--------------------------------|---------------------------|
| 1. Jessica Dos Santos | 2. Ricardo Vaz | 3. InvestigAction |
| 4. Javier Ordóñez | 5. Harby Damián Rodríguez Díaz | |
| 6. Juan Camilo Lloreda Cubillos | 7. CAI | 8. Carlos Holmes Trujillo |
| 9. Ivàn Duque | 10. Álvaro Uribe | 11. FARC |

<https://www.investigaction.net/fr/amerique-latine-en-resistance-la-pandemie-de-la-violence>

در برابر ستم‌هایی که روزبه‌روز بیشتر می‌شوند،
دیگر تهدیدات خارجی توجه مردم کلمبیا را منحرف نمی‌کند